

## فصلنامه تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین الملل (علمی - پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی)

سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز ۱۳۹۸

صفحات: ۹۷-۱۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۹؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۰۳/۰۶



### بررسی وضعیت مسلمانان میانمار در پرتو حقوق بشر از بی تابعیتی تا مهاجرت اجباری

صفی ناز جدلی<sup>۱</sup>

#### چکیده

کشور میانمار دارای بیشترین تنوع قومی در آسیا می باشد. در حدود چهار درصد جمعیت کشور میانمار یا برمه را مسلمانان تشکیل می دهند که گروه روهینگیا بزرگترین جمعیت مسلمان می باشند. در عین حال این اقلیت قومی - مذهبی یکی از مورد تبعیض واقع شده ترین گروه های حال حاضر در جهان هستند. بی تابعیتی و آوارگی دو معضل ناشی از نقض حقوق بشر هستند که این جمعیت را در شرایط بسیار آسیب پذیر قرار داده اند. علی رغم اینکه وضعیت این گروه از منظر عدالت کیفری مورد توجه و تحلیل حقوقدانان و پژوهشگران ایرانی قرار گرفته است، اما به علل و آثار وضعیت بی تابعیتی و پناهندگی شان کمتر پرداخته شده است. هدف از این مقاله تحلیل ریشه های بی تابعیتی جمعیت روهینگیا در قوانین داخلی میانمار و پیامدهای آن از منظر تعهدات حقوق بشری و همچنین بررسی مهاجرت اجباری این گروه در اثر اعمال آزار و اذیت در پرتو حقوق پناهندگی می باشد.

**واژگان کلیدی:** تابعیت، تبعیض نژادی، پناهندگی، آواره داخلی، نقل مکان اجباری.

---

\* استادیار گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## مقدمه

در حدود چهار درصد جمعیت کشور میانمار یا برمه را مسلمانان تشکیل می‌دهند که همه آنها الزماً پیشینه قومی و فرهنگی مشترکی ندارند (World Directory of Minorities). گروه روهینگیا بزرگترین جمعیت مسلمان میانمار می‌باشد که اکثر آنها ساکن مناطق شمالی ایالت راخین واقع در غرب میانمار می‌باشند. روهینگیا به زبان روهینگایی که مشتق از بنگالی و متمایز از سایر زبانهای میانمار است گویش میکنند. ایالت راخین که در گذشته آراکان نامیده میشد از محروم‌ترین مناطق میانمار به شمار می‌رود و اقلیت قومی - مذهبی روهینگیا یکی از مورد تبعیض واقع شده‌ترین گروه‌های اقلیت حال حاضر در جهان می‌باشند.

در دوران استعمار بریتانیا نیروی کار از بنگلادش و هند به میانمار آورده شد و بدین ترتیب نیروهای روهینگایی نیز وارد این کشور شدند. کشور میانمار در دهه‌های گذشته شاهد دوره‌های مختلف خشونت و ناآرامی بوده و اقدامات سرکوب‌کننده‌ای به خصوص علیه اقلیت روهینگیا اتخاذ گردیده است.

بعد از استقلال میانمار از بریتانیا درگیری‌های خشونت‌باری میان قومیت‌ها مختلف به وقوع پیوست. مسلمانان روهینگیا بارها هم قربانی خشونت‌های بین‌قومی در ایالت راخین بوده و هم از طرف دولت و ارتش میانمار مورد سرکوب و آزار و اذیت قرار گرفته‌اند. نهادهای بین‌المللی از جمله سازمان ملل متحد و گزارشگران ویژه بارها نقض‌های شدید حقوق بشر علیه جمعیت غیرنظامی ایالت راخین، به خصوص مسلمانان روهینگیا را مستند و گزارش کرده‌اند. بارزترین تبعیضی که علیه اقلیت روهینگیا روا شده محرومیت آنها از حق تابعیت بوده است. آنها در حال حاضر بزرگترین جمعیت بی‌تابعیت دنیا محسوب میشوند. بر اساس آمارها در حدود ده میلیون نفر در جهان بی‌تابعیت وجود دارد که از این تعداد در حدود یک میلیون نفر روهینگایی هستند (Statelessness Around the World, UNHCR). بنابراین، تقریباً یک‌دهم کل جمعیت بی‌تابعیت دنیا را این اقلیت قومی - مذهبی تشکیل می‌دهند. تبعیض و خشونت بارها موجب مهاجرت اجباری و آوارگی این افراد شده و موج‌های پناهندگی را در دوران‌های مختلف بوجود آورده است. بی‌تابعیتی و پناهندگی دو وضعیتی هستند که روهینگایی‌هایی که از میانمار گریخته‌اند با آن مواجه هستند.

بی تابعیتی و پناهندگی ناشی از نقض حقوق بشر بوده و در بسیاری موارد اولی موجد وضعیت دوم نیز میباشد. افراد بی تابعیت زمانی که در کشور محل اقامت خود مورد تبعیض واقع شوند و از حقوق بنیادین خود محروم باشند به سایر کشورها پناه میبرند. به طور کلی آزار و اذیت سیستماتیک در کشور متبوع یا محل اقامت فرار و پناه جستن نزد سایر کشورها را به دنبال دارد. در میان حقوقدانان و پژوهشگران ایرانی و محافل علمی کشور وضعیت مسلمانان روهینگیا از منظر عدالت کیفری مورد مطالعه و تحلیل قرار گرفته است. اما، به موضوع بی تابعیتی این افراد و وضعیت پناهندگی آن کمتر پرداخته شده است. با این توصیف هدف از این مقاله تحلیل ریشه های بی تابعیتی جمعیت روهینگیا در قوانین داخلی میانمار و پیامدهای آن از منظر تعهدات حقوق بشری، و همچنین بررسی مهاجرت اجباری این افراد در اثر اعمال آزار و اذیت در پرتو حقوق پناهندگی میباشد.

#### الف - تبعیض و بی تابعیتی: علت و معلول یکدیگر

بر اساس بند ۱ از ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۴ در خصوص بی تابعیتی "بی تابعیت فردی است که وفق قوانین و رویه هیچ کشوری تبعه شناخته نشود." بی تابعیتی به دلایل گوناگون و در وضعیت های مختلف ایجاد میشود. تعارض قوانین، مقررات و رویه های اداری پیچیده، رسوم و رفتارهای فرهنگی، مهاجرت و بالاخره قوانین و سیاست های تبعیض آمیز به طور کلی از ریشه های بی تابعیتی در جهان میباشد. در حالیکه در بسیاری از موارد بی تابعیتی در پی وضعیت جانشینی دولت ها و یا از تعارضات فنی حقوقی ناشی میشود، تبعیض مبتنی بر قومیت، نژاد، مذهب، زبان، گروه اجتماعی و یا جنسیت از مهم ترین و شایع ترین دلایل بی تابعیتی به شمار می آید. تبعیض ممکن است در اثر وضع قوانین و یا بکارگیری سیاست های خاص دولتی و اداری اعمال گردد که در نهایت منجر به عدم اعطای تابعیت به گروه خاصی از افراد یا سلب تابعیت از آنها گردد. به عنوان مثال، در پی اصلاح قانون تابعیت در کشور بحرین در سال ۲۰۱۴ به وزارت کشور اختیار داده شد تا تابعیت افرادی را که مغایر با وظیفه وفاداری نسبت به آن پادشاهی رفتار می کنند در صورت تایید هیات وزیران سلب نماید. در کشور بحرین بر اساس قانون تابعیت و اصلاحات متعاقب آن، تا کنون تابعیت صدها نفر از شیعیان مخالف دولت سلب گردیده است. (Human Rights Watch, ۲۰۱۸)

بر اساس آمار ارایه شده توسط کمیساریا عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان بیش از هفتادوپنج درصد جمعیت بی تابعیت در جهان به گروه‌های اقلیت قومی، مذهبی و گویشی تعلق دارند (UNHCR Stateless Report, ۲۰۱۷). مسلمانان میانمار از جمله اقلیت‌های قومی و مذهبی هستند که به دلیل اعمال تبعیض در قوانین میانمار نتوانسته‌اند تابعیت این کشور را کسب نمایند و در نتیجه از حق برخورداری از تابعیت محروم مانده‌اند. به طور کلی نه تنها تبعیض رایج‌ترین دلیل بی‌تابعیتی می‌باشد، بلکه شایع‌ترین اثر بی‌تابعیتی نیز می‌باشد. به عبارت دیگر، افراد بی‌تابعیت از بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های اساسی محروم می‌مانند چراکه تابعیت، این پیوند مهم حقوقی و عاطفی میان فرد و یک جامعه عامل کلیدی در بهره‌مندی از حقوق و ایجاد تکالیف برای فرد می‌باشد. در بسیاری از مواقع، بدون وجود این پیوند، افراد در دسترسی به حقوق بنیادین خود مورد تبعیض قرار می‌گیرند که با چنین وضعیتی اقلیت مسلمان روهینگیا از سال‌های پیش مواجه بوده‌اند. در این بخش ابتدا به مطالعه چگونگی عدم بهره‌مندی مسلمانان روهینگیا از حق بر تابعیت در قوانین میانمار و تحلیل وضعیت در پرتو حقوق بشر و اسناد بین‌المللی پرداخته می‌شود. سپس در بخش دوم موارد محدودیت و یا محرومیت این افراد از حقوق و آزادی‌های بنیادین به سبب وضعیت بی‌تابعیتی شان مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

#### ۱- تبعیض در قوانین میانمار و سلب خودسرانه تابعیت از اقلیت مسلمان روهینگیا

وضعیت بی‌تابعیتی که جمعیت قابل توجهی از گروه روهینگیا درگیر آن هستند ریشه در قوانین و سیاست‌های میانمار دارد. از زمان استقلال میانمار از بریتانیا در ژانویه ۱۹۴۸ و تصویب قانون اساسی کشور مستقل، این گروه اقلیت به عنوان شهروند کشور مورد شناسایی قرار نگرفتند. به طور کلی، مطابق با قانون اساسی تنها افرادی تبعه این کشور محسوب می‌شوند که نسبشان از طریق هر دو والدین و یا یکی از اجداد به یکی از "نژادهای بومی" برمه یا همان میانمار متصل شود (مواد ۱۰ و ۱۱ قانون اساسی). قانون اساسی میانمار اشاره‌ای به نژادهای بومی نداشته و این قانون تابعیت سال ۱۹۴۸ است که در راستای تصریح ماده ۱۱ قانون اساسی "نژادهای بومی" برمه را در فهرستی مختصر معرفی می‌کند و گروه روهینگیا را مورد شناسایی قرار نمی‌دهد (ماده ۳). همچنین قسمت دوم این ماده اشعار می‌دارد تابعیت برمه می‌تواند به سایر گروه‌های

بررسی وضعیت مسلمانان میانمار در پرتو حقوق بشر از بی تابعیتی تا مهاجرت

اجباری.....۱۰۱

نژادی اعطاء گردد به شرط آنکه افراد متعلق به این گروه ها قبل از سال ۱۸۲۳ در یکی از سرزمینهای متعلق به برمه به صورت دائمی سکنی گزیده باشند. حال آنکه دولت میانمار مدعی است اقلیت مسلمان روهینگیا مهاجران بنگلادشی هستند که بعد از جنگ اول میان بریتانیا و برمه و از سال ۱۸۲۴ به بعد در سرزمین این کشور سکنی گزیدند (Kovacs, ۲۰۱۷; ۴۱). در حقیقت انشاء ماده ۳ قانون تابعیت ۱۹۴۸ به نحوی تنظیم گردیده که تحصیل تابعیت میانمار را برای روهینگیا بسیار دشوار و چه بسا غیر ممکن ساخته است.

سیاست های تبعیض آمیز دولت میانمار نسبت به اقلیت مسلمان روهینگیا به نحوی وضع قوانین را هدایت کرده که افراد متعلق به این گروه به راحتی قادر نباشند از هیچ یک از معیارهای خون و خاک تابعیت کشور را تحصیل نمایند. رویه مبتنی بر تبعیض نژادی در قانون جدید تابعیت ۱۹۸۲ نیز ادامه یافت چراکه باز هم روهینگیا را به عنوان گروه نژادی رسمی در میانمار مورد شناسایی قرار نداده و به همان ساق قانون تابعیت پیشین اقامت دائم قبل از ۱۸۲۳ را مبنای تاریخی قرار میدهد (ماده ۳). قانون سال ۱۹۸۲ که صراحتاً نسخ قانون سال ۱۹۴۸ میباشد (ماده ۷۶) با گنجاندن ضوابط سختگیرانه تری نسبت به قانون سال ۱۹۴۸ به متقاضیان تحصیل تابعیت میانمار اجازه تقدیم درخواست میدهد. از جمله، متقاضیان میبایست "مدارک و شواهد قطعی" دال بر ورود و اقامت در میانمار قبل از ۴ ژانویه ۱۹۴۸ ارائه دهند که اعمال چنین استاندارد بالایی در عمل بسیاری از جمعیت روهینگیا را که نسل در نسل فاقد مدارک هویتی بوده اند از تقدیم درخواست محروم میکند (ماده ۴۲). قانون تابعیت ۱۹۸۲ میانمار و فهرستی که متعاقب تصویب این قانون در سال ۱۹۹۰ منتشر گردید تنها ۱۳۵ گروه نژادی را در این کشور به رسمیت میشناسد و بدین ترتیب سایر نژادها و گروه های قومی از جمله روهینگیا را از تحصیل تابعیت محروم و یا به سختی شرایط "شهروند وابسته یا درجه دوم" را با بهره مندی از حقوق و آزادی های کمتر پیش بینی میکند. این قانون شهروندان میانمار را به سه دسته تقسیم میکند: (۱) اتباع که شامل افراد متعلق به گروه های قومی بومی رسمی میشود؛ (۲) شهروندان وابسته و (۳) افرادی که به تابعیت این کشور پذیرفته شده اند. مطابق قانون سال ۱۹۸۲ به افرادی شهروند وابسته اطلاق میشود که تبعه کشور نبوده اما، درخواست تحصیل تابعیت میانمار را بر اساس قانون تابعیت ۱۹۴۸ ارائه داده اند.

قوانین و رویه‌های میانمار در خصوص تابعیت از جهات مختلفی با موازین و قواعد حقوق بین‌الملل مغایرت دارد. حق بر تابعیت که در ماده ۱۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر به آن اشاره شده است از حقوق بنیادین بشر و پیش شرط بهره‌مندی از بسیاری حقوق اساسی دیگر است. این ماده علاوه بر اینکه دارا بودن یک تابعیت را حق هر فرد می‌شناسد، سلب خودسرانه تابعیت یا انکار حق تغییر تابعیت برای افراد را ممنوع می‌شمارد. همانطور که دبیر کل سازمان ملل در گزارش خود به شورای حقوق بشر متذکر شده است حق بر تابعیت موجد حق تحصیل تابعیت، حفظ و تغییر تابعیت می‌باشد (Human Rights Council, ۲۰۰۹).

همچنین به عقیده دبیر کل، حق افراد در حفظ تابعیت با ممنوعیت سلب خودسرانه تابعیت ارتباط مستقیم دارد (Human Rights Council, ۲۰۰۹). باید توجه داشت سلب خودسرانه تابعیت تنها به این معنی نیست که تابعیت فردی یا گروهی به دلایل تبعیض آمیز یا غیر عادلانه به مانند آنچه در مورد شیعیان بحرین اتفاق گرفته شود. بلکه، ممانعت تبعیض آمیز از تحصیل تابعیت یا به عبارتی امتناع از اعطای تابعیت و یا حفظ تابعیت فعلی نیز از مصادیق سلب تابعیت خودسرانه به شمار می‌آیند. بنابراین ممانعت از ایجاد پیوند تابعیت و یا قطع چنین پیوندی به طور غیرقانونی (بر اساس قوانین داخلی و به خصوص حقوق بشر)، ناعادلانه و نامتناسب مورد پذیرش نمی‌باشد. پر واضح است سلب تابعیت مواردی را که فرد با میل و رضایت مبادرت به ترک تابعیت معینی می‌ورزد را شامل نمی‌شود.

هرچند موضوعات مربوط به تحصیل و ترک تابعیت در حیطه صلاحیت و قوانین داخلی کشورها می‌باشد اما، نحوه تدوین و تنظیم قوانین و مقررات میبایست مبتنی بر اصول و موازین حقوق بین‌الملل و حقوق بشر باشد. به عبارت دیگر کشورها نمیتوانند با استناد به حاکمیت خود قوانین مربوط به تابعیت را به گونه‌ای وضع کنند که با حقوق بین‌الملل مغایرت داشته باشد. در همین راستا، کمیسیون حقوق بین‌الملل در پیش نویس مواد مربوط به تابعیت اشخاص حقیقی در رابطه با جانشینی دولتها متذکر میشود دولت‌ها میبایست صلاحیت خود در این زمینه را تنها در چارچوب تعیین شده توسط حقوق بین‌الملل اعمال کنند (International Law Commission, ۱۹۹۹). همچنین به عقیده کمیسیون، در نتیجه تحول در حوزه حقوق بشر رویکرد سستی مبنی بر برتری منافع دولت‌ها بر منافع افراد تغییر کرده است. رویه نهادهای حقوق بشر منطقه

بررسی وضعیت مسلمانان میانمار در پرتو حقوق بشر از بی تابعیتی تا مهاجرت

اجباری.....۱۰۳

ای نیز موید نسبی بودن صلاحیت انحصاری دولت‌ها در پرتو تحولات حقوق بین الملل می‌باشد. به عنوان مثال، دیوان آمریکایی حقوق بشر در نظریه ای مشورتی ابراز داشت: "امروزه، شیوه ای که مطابق آن کشورها مسایل مربوط به تابعیت را تنظیم میکنند نمیتواند تنها تحت صلاحیت انحصاری دولت‌ها اعمال شود؛ چنین صلاحیتی با الزام دولتها نسبت به حمایت کامل از حقوق بشر محدود میشود" (Inter-American Court of Human Rights, ۱۹۸۴).

قوانین مربوط به تابعیت میانمار مبتنی بر تبعیض نژادی است که ممنوعیت آن در اسناد بین المللی حقوق بشری مورد تاکید قرار گرفته است. مهمترین این اسناد کنوانسیون ۱۹۴۸ در خصوص رفع تمام اشکال تبعیض نژادی می‌باشد که البته میانمار از جمله معدود کشورهایی است که تا کنون به این سند بین المللی نپیوسته است. شایان ذکر است ماهیت آمره (Jus cogens) ممنوعیت تبعیض نژادی در رویه برخی از نهادها و محاکم بین المللی مورد شناسایی قرار گرفته است. از جمله، کمیسیون حقوق بین الملل در چندین پیش نویس آمره بودن ممنوعیت تبعیض نژادی را در کنار ممنوعیت تجاوز، نسل زدایی، برده داری، جرایم علیه بشریت و شکنجه مورد تایید قرار میدهد. دیوان بین المللی دادگستری نیز در پرونده بارسلونا تراکسیون حمایت در مقابل برده داری و تبعیض نژادی را از تعهدات erga omnes برمی‌شمارد (Barcelona Traction, ۱۹۷۰).

قانون تابعیت ۱۹۸۲ با برخی از الزامات معاهده ای که میانمار خود را به آنها مکلف نموده نیز مغایرت دارد. به طور خاص، ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک حق هر کودک نسبت به تحصیل تابعیت را تضمین کرده و دولتها را مکلف به رعایت و حمایت از این حق به خصوص در مواردی که کودک دچار بی تابعیتی خواهد شد میکند. در این راستا، کمیته حقوق کودک نسبت به تکلیف دولتها در اتخاذ هر اقدام ضروری در جهت بی تابعیت نماندن کودکان تاکید ورزیده است (OHCHR- Open Society Justice Initiative). همچنین، به عقیده این کمیته منافع عالی کودک ایجاب میکند بلافاصله بعد از تولد به وی تابعیت اعطاء شود و نمی‌بایست شرایطی به وجود آید که کودک مجبور شود تا هجده سالگی صبر و سپس تقاضای تحصیل تابعیت نماید.

در حال حاضر، حقوق بین‌الملل در مواردی سلب تابعیت را هر چند منجر به بی‌تابعیتی فرد گردد مجاز می‌شمارد. در این رابطه، ماده ۸ کنوانسیون ۱۹۶۱ در خصوص کاهش بی‌تابعیتی سلب تابعیت را تنها محدود به مواردی می‌کند که تابعیت از طریق ارابه شواهد نادرست و یا جعل و کلاهبرداری تحصیل شده باشد و یا فردی با زیر پا گذاشتن وظیفه وفاداری به کشور متعاقد خدماتی را به کشور دیگر داده و یا از آن خدماتی گرفته باشد؛ و یا اعمالی انجام داده باشد که شدیداً مغایر با مصالح حیاتی کشور باشد. بنابراین سلب خودسرانه تابعیت بر اساس معیارهای تبعیض آمیز که منجر به بی‌تابعیتی فرد یا گروهی گردد همانند آنچه در میانمار نسبت به گروههایی چون مسلمانان اتفاق افتاده به هیچ وجه قابل قبول نبوده و مغایر با حقوق بین‌الملل و حقوق بشر می‌باشد.

## ۲- بی‌تابعیتی و محرومیت اقلیت مسلمان روهینگیا از حقوق و آزادی‌های اساسی

بی‌تابعیتی از یک سو ریشه در تبعیض دارد و از سوی دیگر وضعیت بی‌تابعیتی باعث می‌شود افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند مورد تبعیض واقع شده و در شرایط آسیب پذیر قرار گیرند. از آنجایی که فارغ از علل و ریشه‌ها، بی‌تابعیتی در نفس و ذات انکار حق بر تابعیت فرد می‌باشد و همچنین، آثار و پیامدهای ناشی از بی‌تابعیتی نیز سایر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی را به طور منفی متأثر می‌سازند از اینرو موضوعی است که در حوزه حقوق بشر قرار می‌گیرد.

به طور کلی همه افراد فارغ از تفاوتها و تمایزها میبایست از حقوق مندرج در اسناد حقوق بشری بین‌المللی منتفع شوند. به جز موارد استثنایی مربوط به برخی حقوق سیاسی که خاص اتباع یک کشور میباشند (مانند حق رای دادن) وضعیت تابعیت و یا اقامت نمیبایست موجب محرومیت افراد از سایر حقوق اساسی گردند. بنابراین، افراد بی‌تابعیت نیز شایسته بهره‌مندی از حقوق بنیادین بشری هستند. اما در واقعیت، به سبب فقدان وضعیت و هویت قانونی بسیاری از حقوق از جمله حق بر آموزش، خدمات درمانی، آزادی رفت و آمد و نظیر آن از این افراد سلب می‌گردد.

همانطور که پیشتر نیز اشاره شد برخی از افراد در اثر آنچه عوامل فنی-حقوقی نامیده میشود دچار بی‌تابعیتی می‌گردند. به عنوان مثال بعضی از شهروندان یوگسلاوی سابق در زمان فروپاشی این کشور موفق به کسب تابعیت کشوری که در آن اقامت



بررسی وضعیت مسلمانان میانمار در پرتو حقوق بشر از بی تابعیتی تا مهاجرت

اجباری.....۱۰۵

داشتند نشده چرا که تقاضای خود را با تاخیر تقدیم مراجع ذی صلاح کرده بودند. برخی دیگر ممکن است در پی سیاست‌های خاص دولتی از حق داشتن تابعیت محروم شوند. سیاست‌هایی که تحصیل تابعیت را برای گروهی از افراد غیرممکن و یا دشوار میسازد. افراد روهینگیا نیز در نتیجه سیاست‌های دولت میانمار از داشتن تابعیت و ماندن و از بسیاری حقوق بهره‌مند نمی‌شوند. از دهه‌های گذشته اقلیت روهینگیا در کشور میانمار به حاشیه رانده شده و از جامعه اصلی این کشور منفک گردیده‌اند. حاصل این جدایی مشکلات معیشتی، عدم بهره‌مندی از استانداردهای معیشتی، درمانی، تامین اجتماعی، محدودیت در رفت و آمد و محرومیت از آموزش ابتدایی و عالی بوده است. در طی سالها گذشته موارد نقض حقوق بشر اقلیت‌های میانمار از جمله مسلمان روهینگیا توسط سازمان‌های غیردولتی و سازمان ملل متحد ( Human Right by Country, OHCHR) جمع‌آوری و گزارش شده‌اند که برخی از آنها که بیشتر با وضعیت بی‌تابعیتی و فقدان مدارک هویتی این گروه ارتباط دارند در این بخش مورد تحلیل قرار می‌گیرند. ثبت واقعه ولادت و صدور گواهی ولادت از طرف مراجع ذی صلاح اولین گام در شناسایی رسمی و قانونی موجودیت یک انسان می‌باشد. صدور گواهی رسمی ولادت اقدام کلیدی در راستای حمایت از کودک بوده و فقدان آن می‌تواند وی را از بسیاری حقوق و خدمات دولتی و عمومی محروم نماید. عدم ثبت احوال شخصیه و از جمله تولد کودکان روهینگایی از موارد گزارش شده نقض حقوق بشر در میانمار می‌باشد (Amnesty International, ۲۰۱۷). ثبت تولد با حق هر فرد نسبت به رسمیت شناختن شخصیت حقوقی وی که موضوع ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز می‌باشد ارتباط دارد (Human Rights Council, ۲۰۱۴). ماده ۷ کنوانسیون حقوق کودک ثبت بلافاصله پس از تولد را تضمین کرده و دولت‌ها را مکلف به اجرای آن می‌کند. محدودیت و یا محرومیت نسبت به حق آموزش در مدارس رسمی و دولتی از دیگر موارد نقض حقوق کودکان مسلمان در میانمار می‌باشد. حق بر آموزش و تحصیل رایگان در مقطع ابتدایی در ماده ۲۸ کنوانسیون حقوق کودک مورد تاکید قرار گرفته است. لازم به ذکر است حقوق مندرج در این کنوانسیون میبایست وفق اصول کلی مورد شناسایی این کنوانسیون از جمله منع تبعیض، مصالح عالی و رشد و تعالی کودک اعمال و اجرا گردند (Human Rights Council, ۲۰۱۴).

از دهه های گذشته آزادی رفت و آمد اقلیت روهینگیا توسط دولت میانمار محدود و مشروط به اخذ مجوز و پرداخت هزینه میباشد. دولت میانمار سختگیریهای بیشتری نسبت به رفت و آمد این گروه از سال ۲۰۱۲ و بروز خشونت ها اعمال کرده است. از آنجایی که حقوق بشر به هم وابسته و پیوسته میباشد، محدودیت یا محرومیت از یک حق انتفاع از سایر حقوق را نیز متاثر میسازد. به عنوان مثال، ایجاد مانع در رفت و آمد امکان دسترسی به فرصت های اشتغال را به حداقل رسانده و وضعیت معیشتی این گروه اقلیت را با دشواری های بسیار مواجه ساخته است. لازم به ذکر است کشور میانمار در تاریخ ۶ اکتبر ۲۰۱۷ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مورخ ۱۹۶۶ را به تصویب رسانده و بنابراین محدودیت های مذکور از مصادیق نقض مواد ۶، ۷ و ۱۱ این میثاق در رابطه با حق اشتغال، شرایط عادلانه و مساعد کار و داشتن سطح زندگی مناسب و کافی برای فرد و خانواده اش محسوب میشوند.

کشور میانمار دارای بیشترین تنوع قومی در آسیا میباشد (Human Rights Council, ۲۰۱۶). رعایت اصل عدم تبعیض گام کلیدی در راستای ارتقاء و حمایت از حقوق اقلیت ها میباشد. ماده ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر از کشورها میخواهد حقوق همه افراد را بدون هیچگونه تمایزی از هر حیث رعایت و حمایت کنند. اعلامیه ۱۹۹۲ سازمان ملل متحد در خصوص حقوق افراد متعلق به اقلیت های ملی، قومی، دینی و زبانی با تاکید بر هدف سازمان ملل نسبت به ارتقاء بهره‌مندی همگان از حقوق بشر بدون هیچ تمایز، دولت ها را متعهد میکند از موجودیت و هویت اقلیت های حاضر در قلمرو شان حمایت کنند؛ در این راستا قانونگذاری کرده و سایر اقدامات متناسب اتخاذ نمایند. پایان بخشیدن به بی عدالتی علیه اقلیت ها در میانمار و به خصوص نسبت به مسلمانان در گرو اصلاح قوانین، مقررات و سیاست های تبعیض آمیز وفق تعهدات بین المللی و حقوق بشری این کشور میباشد. علی رغم توصیه های مکرر ساز و کارهای حقوق بشری (Human Rights Council, ۲۰۱۴) دولت میانمار تا کنون اقدامی در زمینه اصلاح قوانین تبعیض آمیز علیه گروه روهینگیا که مهم ترین آن قانون تابعیت ۱۹۸۲ میباشد انجام نداده است.

ب- مهاجرت اجباری و آوارگی در پی آزار و اذیت

بررسی وضعیت مسلمانان میانمار در پرتو حقوق بشر از بی تابعیتی تا مهاجرت

اجباری.....۱۰۷

اعمال تبعیض ناروا، مکرر و مداوم نسبت به فرد یا گروهی از افراد به دلایل نژادی، قومی، مذهبی، سیاسی و غیره آزار و اذیت (Persecution) تلقی میشود. اساسنامه دیوان بین المللی کیفری در ماده ۷ آزار و اذیت را به معنی "محرومیت عمدی و جدی از حقوق اساسی بر خلاف حقوق بین الملل به دلیل هویت گروه یا جمعیتی" تعریف کرده و آن را از مصادیق جرایم علیه بشریت میشناسد. تداوم عملکرد و سیاست های تبعیض آمیز و ناقض حقوق بشر دولت میانمار به دلیل هویت خاص گروه مسلمان روهینگیا بی شک آزار و اذیت تلقی میشود.

به طور کلی در جهان، یکی از پیامدهای تبعیض و نقض گسترده و سازمان یافته حقوق بشر مهاجرت های اجباری و آوارگی میباشد که اقلیت روهینگیا نیز از این امر مستثنی نبوده اند. بر اساس گزارش جهانی ۲۰۱۷ کمیساریا عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان، بیش از ۲۵ میلیون نفر در جهان در اثر درگیری، سرکوب و آزار و اذیت از کشور خود گریخته و پناهنده شده اند که در حدود یک میلیون از این جمعیت را مسلمانان روهینگیا تشکیل میدهند که به بنگلادش گریخته اند (UNHCR, ۲۰۱۷). این گزارش همچنین متذکر میشود علاوه بر آنهایی که از میانمار فرار کرده و در خارج از مرزهای این کشور پناهنده شده اند بالغ بر صد هزار نفر نیز در داخل میانمار مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده و در وضعیت آوارگی داخلی (Internally Displaced Persons) به سر میبرند.

آزار و اذیت های تحمیل شده از سوی دولت میانمار و تشدید آن در برخی از برهه های زمانی وضعیت پناهندگی روهینگیا را تبدیل به بحرانی انسانی کرده است. لازم به ذکر است وضعیت همزمان بی تابعیتی و پناهندگی شرایط این افراد را پیچیده تر و نیاز به حمایت های بین المللی را عاجل تر ساخته است. در این بخش در ابتدا به بررسی وضعیت آوارگی و پناهندگی این افراد پرداخته میشود و سپس، در بخش دوم اعمال سرکوب نسبت به این گروه از منظر عدالت کیفری مورد تحلیل قرار خواهد گرفت.

### ۱- بحران پناهندگی و ضرورت حمایت بین المللی

اصطلاح پناهنده وفق ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۵۱ در خصوص وضعیت پناهندگان به شخصی اطلاق میگردد که به علت ترس موجه از آزار و اذیت به دلایل مربوط به نژاد،

دین یا مذهب، ملیت یا عضویت در برخی گروه‌های اجتماعی یا داشتن عقاید سیاسی در خارج از کشور متبوع و یا در صورت فقدان تابعیت خارج از محل اقامت معمول خود به سر میبرد، و قادر یا بر اثر ترس مذکور مایل به بازگشت به کشور مذکور نمیباشد. همانطور که از نص ماده مذکور برمیآید یک فرد میتواند همزمان در وضعیت پناهندگی و بی‌تابعیتی به سر برد و این مصداق شرایط کنونی جمعیت روهینگایی است که در خارج از محل اقامت معمول خود یعنی میانمار و اغلب در کشور بنگلادش به سر میبرند.

از منظر آوارگی و مهاجرت اجباری، مسلمانان بی‌تابعیت روهینگیا در دو وضعیت به سر میبرند: آوارگان داخلی آنهایی هستند که در نتیجه آزار و اذیت مجبور به ترک خانه و کاشانه خود شده اما از مرزهای میانمار عبور نکرده و در داخل این کشور و در مرکز ایالت راخین در کمپ‌ها اسکان داده شده‌اند؛ پناهندگان که به آندسته از افرادی اطلاق می‌شود که در نتیجه آزار و اذیت از محل زندگی خود گریخته و از مرزهای میانمار عبور کرده و در کشورهای دیگر پناه جسته‌اند. به طور کلی، تفاوت آواره داخلی با پناهنده در این است که در نتیجه عوامل جبری و قهری اولی در داخل مرزهای کشور متبوع یا محل معمول اقامت باقی میماند اما دومی از مرزهای بین‌المللی عبور میکند.

علی‌رغم مشترک بودن برخی ویژگی‌ها و نیازها میان دو گروه آواره داخلی و پناهنده، لیکن هر یک تحت رژیم حمایتی جداگانه‌ای قرار دارند. از آنجا که آوارگان داخلی درون مرزهای کشور متبوع یا محل اقامت حضور دارند حمایت از آنها بر عهده آن دولت میباشد، اما پناهندگانی که معمولاً در اثر از دست دادن حمایت کشور متبوع یا محل اقامت خود اقدام به عبور از مرزهای بین‌المللی میکنند نیازمند حمایت از طرف جامعه بین‌المللی میباشند. در حالیکه چارچوب اصلی رژیم حقوقی بین‌المللی حمایت از پناهندگان را کنوانسیون ۱۹۵۱ تعیین میکند، معاهده بین‌المللی در خصوص حمایت از آوارگان داخلی وجود ندارد. اصول راهنما سازمان ملل در خصوص آوارگان داخلی مورخ ۱۹۹۸ (Guiding Principles on Internal Displacement) و کنوانسیون اتحادیه آفریقا در خصوص حمایت و مساعدت آوارگان داخلی در آفریقا مورخ ۲۰۰۹ (Kampala Convention) اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای در برگیرنده حقوق بشر و بشردوستانه در این رابطه هستند.

مفهوم حمایت دربرگیرنده مجموعه اقدامات و فعالیتهایی است که با هدف تضمین رعایت کامل حقوق افراد مطابق با متن و روح قواعد و اصول حقوقی از جمله حقوق بشر و حقوق بین الملل بشردوستانه اتخاذ میگردد (Glossary, ۲۰۱۱). به طور کلی دولتها وظیفه حمایت از افرادی که داخل قلمروشان به سر میبرند را بر عهده دارند. چنانچه دولتی قادر یا مایل به حمایت از افراد یا بخشی از آنها نباشد وظیفه حمایت به جامعه بین المللی منتقل میگردد (Hathaway, ۲۰۱۴; ۲۸۸). دور های متوالی سرکوب و آزار و اذیت گسترده علیه روهینگیا به خصوص در سال های ۲۰۱۲، ۲۰۱۵ و ۲۰۱۷ موجب بروز بحرانهای پناهندگی گردیده است. خشونت های ماه آگوست ۲۰۱۷ و سرعت بالای ورود پناهجویان به کشور بنگلادش این وضعیت را به بزرگترین بحران پناهندگی به لحاظ گسترش سریع آن تبدیل کرده است (OCHA, ۲۰۱۸).

طبیعی است با توجه به تعدد و گستردگی بحرانهای پناهندگی که امروز در جهان وجود دارد تنها یک نهاد یا سازمان از عهده تامین نیازهای افراد بر نمی آید. حمایت بین المللی که از تجمیع همکاری های بین المللی میان دولتها، سازمانهای بین المللی و نهادهای غیردولتی در امر کمک رسانی حاصل میشود با چالش هایی در مورد وضعیت روهینگیا در بنگلادش مواجه شده است. لازم به ذکر است برقراری هماهنگی میان نهادهای امداد رسان در کشور میزبان پناهندگان و فراهم کردن بودجه لازم دو عامل کلیدی در مدیریت بحرانهای پناهندگی میباشد. به منظور تامین نیازهای فزاینده جمعیت یک میلیون و سیصد هزار نفری پناهندگان در کاکس بازار بنگلادش برنامه پاسخ مشترکی (Joint Response Plan) تبیین شده و بودجه ۹۵۱ میلیون دلاری نیز جهت تامین نیازهای اولیه و ضروری پناهندگان درخواست گردیده که تا تاریخ می ماه ۲۰۱۸ تنها ۱۸ درصد از این مبلغ تامین شده است.

پناهندگی وضعیتی است موقت به این معنی که میبایست با یافتن راه حلی مناسب و پایدار به آن پایان بخشید به نحوی که پناهنده بتواند مجددا زندگی عادی را دنبال کند. به طور معمول راه حلهای پایدار (Durable solutions) شامل ادغام موثر در جامعه میزبان از طریق تحصیل تابعیت، اسکان مجدد به کشوری ثالث که توانایی حمایت از پناهندگان را داشته باشد و بازگشت داوطلبانه به موطن اصلی میباشد. بهترین حالت زمانی است که شرایط بازگشت ارادی، امن و همراه با کرامت فرد به خانه و

موطن فراهم شود. در مورد روهنگیایی که در وضعیت همزمان پناهندگی و بی‌تابعیتی به سر می‌برند لازمه بازگشت نه تنها رفع خشونت و آزار و اذیت در میانمار است بلکه مستلزم حل و فصل مساله تابعیت و تضمین حقوق اساسی این افراد به مانند سایر شهروندان این کشور میباشد.

تا زمانی که شرایط بازگشت و استقرار مجدد فراهم شود، پناهندگان میبایست در کشور میزبان از وضعیت رسمی پناهندگی جهت برخورداری از خدمات و کمک‌های ضروری برخوردار شوند. بنگلادش که از متعاهدین کنوانسیون ۱۹۵۱ در خصوص وضعیت پناهندگان نمیشد، علی‌رغم پذیرش و اسکان پناه جویان روهنگیایی از شناسایی وضعیت پناهندگی آنها خودداری میکند. البته تعیین وضعیت پناهندگی دارای ماهیت اعلامی میباشد بدین معنی که نهاد ذی صلاح در داخل کشور میزبان تنها وضعیت فرد واجد شرایط را به طور رسمی اعلام میکند (UNHCR, ۱۹۷۷). بنابراین شناسایی رسمی وضعیت پناهندگی فرد یا گروه تأثیری در پناهنده بودن آنها ندارد اما، چنین اقدامی در حمایت از افراد به ویژه در مقابل طرد (Refoulement) به سرزمینی که از آن گریخته اند و تامین نیازهای ضروری نقش مهمی دارد. در حالیکه دولتها در موضوع اعطای تابعیت به بیگانگان میتوانند بنا بر صلاحدید و حاکمیت خود از این امر حتی به افراد واجد شرایط امتناع ورزند، در خصوص موضوع شناسایی وضعیت پناهندگی نمیتوانند به حاکمیت متوسل شوند. البته در رابطه با تابعیت نیز همانطور که پیشتر توضیح داده شد در شرایطی محدودیت‌هایی بر حاکمیت قابل اعمال میباشد.

## ۲- مهاجرت اجباری و تغییر ترکیب جمعیتی در ایالت راخین

از دهه‌ها پیش ایالت راخین شاهد رویارویی قومی بین مسلمانان روهنگیا و بودایی‌ها این منطقه بوده است.

ریشه اصلی این تنش‌ها در به دست آوردن زمین، منابع و صیانت از هویت قومی میباشد. لازم به ذکر است میزان بالای زاد و ولد در میان روهنگیا و بالطبع رشد سریع جمعیت به منزله تهدیدی برای ترکیب و تناسب جمعیتی از طرف تندروهای ناسیونالیست‌های بودایی در راخین تلقی میشود (Blomquist, ۱۱۷; ۲۰۱۶).

مسلمانان روهنگیا میانمار از یک طرف درگیر خشونت‌های بین قومی در منطقه محل سکونتشان و از طرف دیگر مواجه با اعمال آزار و اذیت از طرف دولت مرکزی

بررسی وضعیت مسلمانان میانمار در پرتو حقوق بشر از بی تابعیتی تا مهاجرت

اجباری.....۱۱۱

کشور میباشند. ضمناً، از سال ۲۰۱۲ به بعد، بودایی های ساکن ایالت راخین به عنوان بازوی دو فاکتو ارتش میانمار در سرکوب مسلمانان نقش مهمی داشته اند (Leider, ۲۰۱۸). ارتش میانمار در جریان درگیریهای خشونت بار آگوست ۲۰۱۷ با شبه نظامیان روهینگیا (Arakan Rohingya Salvation Army) با هدف قرار دادن جمعیت غیرنظامی روهینگیا موجب فرار صد ها هزار نفر به کشور همسایه گشت. نقل مکان اجباری، مستمر و گسترده یک گروه متعلق به هویتی خاص میتواند منجر به تغییر ترکیب ساختار جمعیتی منطقه ای که آن را ترک کرده اند شود. در ضمن، پراکندن یک جمعیت ممکن است انسجام اجتماعی را به مرور از آن سلب کند به نحوی که نتوان در آینده لفظ گروه را به آن اطلاق کرد.

اندکی بعد از وقایع آگوست ۲۰۱۷، کمیسر عالی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر موارد نقض حقوق بشر را از مصادیق جرایم علیه بشر و پاکسازی قومی برشمرد (High Commissioner update, OHCHR, ۲۰۱۷). جرم پاکسازی قومی بعد از جنگ بالکان و در رویه دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق وارد ادبیات حقوق بین الملل کیفری گردید. در تعریف این مفهوم تلاش هایی صورت گرفته از جمله به معنی "هم شکل نمودن و متجانس کردن یک منطقه از لحاظ نژادی با استفاده از اجبار یا تهدید به جابه جایی افراد گروه مربوطه از آن منطقه است" (روستایی، ۱۳۹۵: ۴۸). این نکته مهم میبایست مورد توجه قرار گیرد که نقل مکان و جا به جایی اجباری لزوماً نمیبایست در قالب سیاست کوچ اجباری یا اخراج صورت پذیرد بلکه، پدید آوردن شرایطی که تحت آن افراد یک گروه مجبور به ترک منطقه مورد نظر شوند نیز از مصادیق پاکسازی قومی محسوب میشود. بنابراین، در چنین شرایطی اصطلاح مهاجرت اجباری که معمولاً در ارتباط با پناه چویی و پناهندگی مطرح میگردد مترادف با آواره سازی، کوچ اجباری، انتقال اجباری یا اخراج جمعیت قرار میگیرد.

یک سال بعد از اعلام پاکسازی قومی از طرف سازمان ملل متحد، در تاریخ آگوست ۲۰۱۸ هیات بین المللی مستقل حقیقت یابی که توسط شورای حقوق بشر تشکیل گردید اعلام نمود مسولان رده بالای ارتش میانمار میبایست در خصوص ارتکاب جرایم نسل زدایی، جرایم علیه بشریت و جرایم جنگی در ایالت راخین مورد تحقیق قرار گیرند (OHCHR, Myanmar, ۲۰۱۸). بر اساس یافته های هیات حقیقت

یاب نحوه ارتکاب جرایم در ایالت راخین در ماهیت، شدت و گستردگی مشابه مواردی هستند که در گذشته به وقوع پیوسته و در آنجا نیت خاص ارتکاب به جرم نسل زدایی به اثبات رسیده بود.

علی‌رغم اختلاف نظرهایی که در مورد تفکیک میان پاکسازی قومی و نسل زدایی به عنوان دو جرم مستقل وجود دارد، به نظر می‌رسد اگر نقل مکان و آوارگی اجباری با قصد برهم زدن ترکیب جمعیت ملی، قومی، نژادی و مذهبی باشد این اقدام از مصادیق نسل زدایی محسوب می‌شود. در تعریف یک گروه هویتی متغیرهای مختلفی می‌توانند دخالت داشته باشند، ضمن اینکه تلقی درون گروهی با برداشت برون گروهی از یک جمعیت می‌تواند تفاوت داشته باشد. به عبارت دیگر تعلق‌ها و مولفه‌هایی که اعضای یک جمعیت هویتی در تعریف و توصیف از گروه خود دارند الزاماً با برداشت‌های بیرونی و مثلاً دولت مرکزی و یا سایر کشورها و نهادهای بین‌المللی یکسان نیست. بر همین اساس می‌توان این ادعا را رد کرد که چون در پاکسازی قومی موجودیت یک گروه در جای دیگر تحمل می‌شود بنابراین از نسل زدایی متمایز است چرا که هدف آن نابود کردن گروه است در حالیکه در اولی هدف جا به جا کردن است. شاید گروهی به دلیل پیوندهای عمیق با یک منطقه جغرافیایی خاص با منفک شدن از آن موجودیت خود را منهدم تلقی نماید. بنابراین شایسته است وقایع مورد به مورد و با در نظر گرفتن ویژگی‌های هویتی هر گروه به منظور اطلاق عنوان پاکسازی قومی و یا نسل زدایی بررسی گردند.

### نتیجه‌گیری

مسلمانان روهینگیا با مشکلی چند بعدی مواجه هستند که در مقاطعی نیز این مشکلات علت و معلول یکدیگر محسوب می‌شوند. بی‌تابیتی، آوارگی، تبعیض و آزار و اذیت کلاف در هم تنیده‌ای را بوجود آورده‌اند که باز کردن گره‌های آن چندان سهل و آسان به نظر نمی‌رسد. در خصوص حل و فصل وضعیت پناهندگان و آوارگان روهینگایی اقدامات چاره‌ساز را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: اقدامات کوتاه مدت و بلند مدت. اقدامات کوتاه مدت میبایست متمرکز بر حمایت از پناهندگان بحران زده در کشور بنگلادش و تامین نیازهای اولیه و ضروری آنها باشد. بدیهی است لازمه برآوردن نیازهای مختلف جمعیت چندین صد هزار نفری فراهم کردن منابع مالی از طریق



بررسی وضعیت مسلمانان میانمار در پرتو حقوق بشر از بی تابعیتی تا مهاجرت

اجباری.....۱۱۳

مشارکت و اهدا مالی کشورها میباشد. شایسته است اقدامات بلند مدت بر بازگشت امن پناهندگان به محل سکونتشان جایی که خود را متعلق به آن میدانند تمرکز یابد. چنین بازگشتی میسر نخواهد شد مگر با رفع عوامل و ریشه های تبعیض که مهمترین آنها پایان بخشیدن به بی تابعیتی است. در این رابطه انتظار میرود جامعه بین المللی از ظرفیت های دیپلماتیک موجود در ایجاد اراده سیاسی در دولت میانمار جهت اصلاح قوانین تبعیض آمیز تابعیت استفاده نماید و آن را مجاب به برقراری پیوند شهروندی میان روهینگیا و آن کشور نمایند. در عین حال در کنار رفع تبعیض و موانع اعطای تابعیت، زمانی عدالت در مورد مسلمانان روهینگیا کامل میشود که به جرایم ارتكابی علیه آنان در دادگاهی صالح رسیدگی شود. همانطور که هیات مستقل حقیقت یاب نیز در گزارش خود اشاره داشته، رسیدگی به جرایم علیه روهینگیا در دادگاه بین المللی ویژه و یا دیوان بین المللی کیفری از گزینه های برقراری عدالت کیفری در این خصوص میباشد.

## منابع

### الف: منابع فارسی

- روستایی علیرضا، آرش پور، علیرضا (۱۳۹۶)، تحلیل حقوقی خشونت علیه مسلمانان میانمار به مثابه جنایت نسل زدایی؛ فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، شماره چهارم.

- روستایی، علیرضا، آرش پور، علیرضا (۱۳۹۵)، پاکسازی قومی مسلمانان میانمار: جنایت علیه بشریت یا نسل زدایی؟، پژوهش حقوق کیفری، شماره پانزدهم.

۱۱۴.....تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال دوازدهم، شماره چهل و پنجم، پاییز

۱۳۹۸

موسی زاده، رضا، گلیجانی مقدم، حامد (۱۳۹۷)، مشروعیت سلب تابعیت از منظر حقوق بین‌الملل با واکاوی اقدام دولت بحرین؛ مجله حقوقی بین‌المللی، شماره

۵۸.

ب: منابع لاتین

کتاب‌ها

- Barth, Federik (۱۹۹۸), **Ethnic Groups and Boundaries: The Social Organization of Culture Difference**, Waveland Press.
- Blomquist, Rachel (۲۰۱۶), **Ethno-Demographic Dynamics of the Rohingya-Budist Conflict**, Georgetown Journal of Asian Affairs.
- Hathaway, James C. (۲۰۱۴). **The Law of Refugee Status**, Cambridge.
- International Migration Law (۲۰۱۴), **Glossary on Migration**, International Organization for Migration.
- Schabas, William (۲۰۰۹), **Genocide in International Law The Crime of Crimes**, New York: Cambridge University Press

مقالات

- Alam Prodip, Mahbub (۲۰۱۷), **Health and Education Status of Rohingya Refugee Children in Bangladesh**, Journal of Population and Social Studies, Vol.۲۰.
- De Groot, Gerard-René (۲۰۱۴), **Children, their right to a nationality and child statelessness**, in Edwards, Alice and Van Waas, Laura, Nationality and Statelessness under International Law, Cambridge.
- Doek, Jaap E. (۲۰۰۶), **The CRC and the Right to Acquire and to Preserve a Nationality**, *Refugee Survey Quarterly*, vol.۲۰, Issue ۳.
- Kovacs-Zsanko, Gyongyver (۲۰۱۷), **Rohingyas, a Non-Existing Nation**, *Pecs Journal of International law*,

آرای قضایی

- Nottebohm Case (Liechtenstein v. Guatemala); Second Phase, International Court of Justice (ICJ), ۶April ۱۹۵۵, p. ۲۳

بررسی وضعیت مسلمانان میانمار در پرتو حقوق بشر از بی تابعیتی تا مهاجرت

اجباری.....۱۱۵

-Barcelona Traction, Light and Power Company, Limited (Belgium v. Spain), Judgment, ICJ Reports ۱۹۷۰, p. ۳.

-Inter-America Court of Human Rights, Proposed Amendments to the Naturalization Provision of the Political Constitution of Costa Rica, Advisory Opinion, OC-۸۴/۴, ۱۹۸۴, Series A No. ۴, para ۳۲.

اسناد اینترنتی

- ۱۹۴۸ Constitution of Myanmar, available on the website of International Labour Organisation, <https://www.ilo.org/dyn/natlex/docs/ELECTRONIC/۸۵۶۹۹/۷۹۵۷۳/F1۴۳۶۰۸۵۷۰۸/MMR۷۹۵۷۳.pdf>.

- ۱۹۴۸ Nationality Law of Myanmar, available on ibiblio, [http://www.ibiblio.org/obl/docs/UNION\\_CITIZENSHIP\\_ACT-۱۹۴۸.htm](http://www.ibiblio.org/obl/docs/UNION_CITIZENSHIP_ACT-۱۹۴۸.htm).

-۱۹۸۲ Nationality Law of Myanmar, available on Refworld, [www.refworld.org/docid/۳ae۶b۴f۷۱b.html](http://www.refworld.org/docid/۳ae۶b۴f۷۱b.html).

#### **Amnesty International:**

-Cage Without a Roof, (۲۰۱۷), <https://www.amnesty.org/en/latest/news/۱۱/۲۰۱۷/myanmar-apartheid-in-rakhine-state>.

-Yearbook of the ILC, (۱۹۹۹), Vol.II, Part Two, [www.legal.un.org/ilc/publications/yearbooks/english/ilc\\_۱۹۹۹\\_v۲\\_p۲.pdf](http://www.legal.un.org/ilc/publications/yearbooks/english/ilc_۱۹۹۹_v۲_p۲.pdf).

-Yearbook of the ILC, (۲۰۰۱), vol. II (۲), p.۱۱۳-۱۱۲, [www.legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/۹\\_۶\\_۲۰۰۱.pdf](http://www.legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/۹_۶_۲۰۰۱.pdf).

-Yearbook of the International Law Commission, (۲۰۱۱), vol. II (۲), p.۷۵, [www.legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/۹\\_۱۱\\_۲۰۱۱.pdf](http://www.legal.un.org/ilc/texts/instruments/english/commentaries/۹_۱۱_۲۰۱۱.pdf).

#### **The Institute on Statelessness and Inclusion**

-World Stateless Children, The Stateless Rohingya, <http://children.worldstateless.org/۳/migration-displacement-and-childhood-statelessness/the-stateless-rohingya.html>.

### **Human Rights Watch**

-Bahrain: New Deportation of Nationals: Arbitrary citizenship revocations leave many stateless, [www.hrw.org/news/2018](http://www.hrw.org/news/2018).

### **Human Rights Council**

-Birth Registration and the Right of Everyone to Recognition Everywhere as a Person Before the Law, Annual report of the UN High Commissioner for Human Rights and reports of the Office of the High Commissioner and Secretary-General, ۱۷June ۲۰۱۴, A/HRC/۲۲/۲۷, available at Refworld, [www.refworld.org/docid/5ff32e4.html](http://www.refworld.org/docid/5ff32e4.html).

-Report of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in Myanmar, Yanghee Lee, ۸March ۲۰۱۶, A/HRC/۲۱/۳۱, <https://unodcs.org/AHRC/21/31>.

-Human Rights of Rohingya Muslim and Other Minorities in Myanmar, Thirty-second session, ۲۹June ۲۰۱۶, A/HRC/۱۸/۳۲, <https://unodcs.org/AHRC/18/32>.

-Human Rights and Arbitrary Deprivation of Nationality, Report of Secretary General, ۲۰۰۹, A/HR/۳۴/۱۳, available on Refworld, [www.refworld.org/docid/4b8a9cb2.html](http://www.refworld.org/docid/4b8a9cb2.html).

### **Liberation**

Leider, Jacques, “Dans l’Etat Rakhine, les autorités affrontent deux nationalismes” Interview, <http://www.liberation.fr/planete/29/11/2017/birmanie-jacques-leider-dans-l-etat-rakhine-les-autorites-affrontent-deux-nationalismes> ۱۶۱۳۴۱۷.

### **United Nations High Commissioner for Refugees**

-Statelessness Around the World, United Nations High Commissioner for Refugees, [www.unhcr.org/statelessness-around-the-world.html](http://www.unhcr.org/statelessness-around-the-world.html).

-Note on Determination of Refugee Status under International Instruments, EC/SCP/۵, ۲۴August ۱۹۷۷, available on Refworld, [www.refworld.org/docid/3ae7acc04.html](http://www.refworld.org/docid/3ae7acc04.html).

-Global Trends, ۲۰۱۷, [www.unhcr.org/globaltrends2017](http://www.unhcr.org/globaltrends2017).

۲۰۱۷-Statelessness Report, This is our home: Stateless minorities and their search for citizenship, [www.unhcr.org/ibelong/stateless.minorities](http://www.unhcr.org/ibelong/stateless.minorities).

بررسی وضعیت مسلمانان میانمار در پرتو حقوق بشر از بی تابعیتی تا مهاجرت

اجباری.....۱۱۷

### **United Nations Office of High Commissioner for Human Rights**

-Children's rights to a nationality Children's Right to a Nationality, Open Society Justice Initiative, [www.ohchr.org/Documents/Issues/Women/WRGS/RelatedMatters/OtherEntities/OSJChildrenNationalityFactsheet.pdf](http://www.ohchr.org/Documents/Issues/Women/WRGS/RelatedMatters/OtherEntities/OSJChildrenNationalityFactsheet.pdf).

-High Commissioner update, <https://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=۲۲۰۴۱>.

-Myanmar : Tatmadaw leaders must be investigate for genocide, crimes against humanity, war crimes, <https://www.ohchr.org/EN/NewsEvents/Pages/DisplayNews.aspx?NewsID=۲۳۴۷۵&LangID=E>, accessed ۲۰۱۸/۰۹/۰۶

-Human Rights by Country (Myanmar), [www.ohchr.org](http://www.ohchr.org).

### **United Nations Office for the Coordination of Humanitarian Affairs**

-Rohingya Refugee Crisis, [www.unocha.org/rohingya-refugee-crisis](http://www.unocha.org/rohingya-refugee-crisis).

### **World Directory of Minorities and Indigenous People**

-Myanmar/Burma-Muslims and Rohingya, <http://minorityrights.org/minorities/muslims-and-rohingya>.